

شرایط عنایت خداوند به شیعیان و حفظ آنان از خطرها*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این مقاله شرحی است بر کلام معصوم علیه السلام در باب صفات شیعیان توسط استاد علامه مصباح. عنوان «شیعه» از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، جایگاه، منزلت و قداست خاصی دارد. شیعیان از نظر اهل بیت علیهم السلام، دارای ویژگی‌های متمایزی هستند. از جمله صفاتی که موجب می‌شود شیعیان در پناه خدا از آفات و خطرات دشمنان در امان بمانند، عبارتند از: ۱. به اصلاح رابطه با خدا بپردازند؛ ۲. ارتباط خود را با امامشان اصلاح کنند؛ ۳. به وظایف خویش در قبال برادران دینی عمل کنند. از ویژگی‌های شیعیان اینکه پارساترین و باتقواترین مردمانند، با متانت و آرام سخن می‌کنند، عقده‌گشایی نمی‌کنند، در ستایش پیشوایان معصوم، زیاده‌روی نمی‌کنند، با دوستان اهل بیت علیهم السلام با رفاقت رفتار می‌کنند. با گمراهان هم‌نشینی نمی‌کنند، دشمن اهل بیت را دوست نمی‌دارند. همچنین در روایاتی متانت، خوشرفتاری، نازمندی، نداشتن گمان بد به دیگران، در برخورد با دیگران مهربان، عامل به وظایف خود و عزت نفس، از مهم‌ترین ویژگی‌های شیعیان واقعی شمرده شده است.

کلیدواژه‌ها: شیعه، شیعه واقعی، شیعه ظاهری.

همواره در پناه خداوندند و از آفات و خطر دشمنان در امان‌اند؛ تا هنگامی که ارتباطشان با خداوند نیکو باشد و نیت و دلشان با امامانشان پاک و بی‌آلایش باشد و به برادران خود نیکی و به فرودستان آنها رسیدگی کنند و به درماندگان آنها احسان کنند. ما شما را به ستم دعوت نمی‌کنیم، ولی به پرهیزکاری و مواسات و رسیدگی به برادران خود فرامی‌خوانیم. بدانید که از هنگام آفرینش حضرت آدم علیه السلام تاکنون، دوستان خدا ستم‌دیده و اندک بوده‌اند.

در این روایت، حضرت می‌فرماید که شیعیان ما به سه شرط در پناه خداوندند و از آفات و خطر دشمنان در امان‌اند. شرط نخست آنکه، به اصلاح رابطه خود با خداوند بپردازند و حق بندگی خداوند را به‌جای آورند. دوم آنکه، ارتباط خود را با امامشان اصلاح کنند و به‌راستی و از صمیم دل پیرو امام خویش باشند و نیت و دلشان با امامشان پاک و بی‌آلایش باشد. در فارسی، «نصیحت» به‌معنای پند دادن است. از این رو، «النصیحة لائمة المسلمين» به اشتباه پند و اندرز دادن به ائمه و حاکمان مسلمانان ترجمه می‌شود، اما در عربی نصیحت به‌معنای خالص بودن و یک‌رو بودن است. در نتیجه، «النصیحة لائمة المسلمين» به‌معنای یک‌رو، خالص و دل‌سوز بودن برای پیشوایان مسلمانان و مطیع فرمان آنها بودن است.

شرط سوم، آنکه شیعیان به وظایفشان در قبال برادران دینی خویش عمل کنند و در کمک و یاری رساندن به آنها کوتاهی نوزند. اگر برادران شیعه آنها نیازمند کمک مالی بودند، نیاز ایشان را برطرف کنند و اگر دشمنان تهدیدشان می‌کردند، به یاری آنها بشتابند. به‌ویژه در احسان به شیعیان فقیر کوتاهی نکنند. سپس امام می‌فرماید: ما شما را به پیروی از امام و پاک و بی‌آلایش بودن نیت شما در قبال امام و خالص بودن دل و نیت شما در قبال او دعوت می‌کنیم. هرگز از شما نمی‌خواهیم که ستم کنید، بلکه از

درباره مراتب ایمان و صفات مؤمن، در قرآن و روایات بسیار سخن گفته شده است. اما درباره عنوان «شیعه» و ویژگی‌های او با حساسیتی ویژه در روایات سخن به میان آمده است؛ تا آنجا که ائمه اطهار علیهم السلام به برخی از متشرعان و دوستاناران و دوستان خویش که ادعا می‌کردند شیعه‌اند، می‌فرمودند: شما شیعه ما نیستید و ما ویژگی‌های شیعه خویش را در شما نمی‌یابیم. شما دوستان مایید، ولی شیعه ما به‌شمار نمی‌آید. حتی در برخی روایات، ادعای برخی مبنی بر شیعه اهل بیت علیهم السلام بودن دروغ و شایسته سرزنش قلمداد شده است؛ زیرا عنوان «شیعه» از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام جایگاه و قداستی ویژه داشته است. آنان تأکید کرده‌اند که شیعه باید از ویژگی‌هایی ممتاز که در کلام معصومان علیهم السلام آمده، برخوردار باشد. پس در جهت شناخت جایگاه و صفات شیعه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چونان جلسه‌های پیش، ویژگی‌های شیعیان را از دیدگاه روایات برمی‌رسیم. بدین وسیله خود را محک می‌زنیم تا دریابیم که آیا ما به ویژگی‌های شیعه واقعی آراسته‌ایم و می‌توانیم ادعا کنیم که شیعه‌ایم یا خیر.

در روایت آمده است: سدید صیرفی، که یکی از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام است و روایات بسیاری را از آن حضرت نقل کرده، بر ایشان وارد شد. در مجلس حضرت جمعی از اصحاب نیز حضور داشتند. آن حضرت فرمودند: «یا سدید، لَأَنْزَالَ شِيعَتَنَا مَرْعِيَيْنَ مَحْفُوظِينَ مَشْتُورِينَ مَعْصُومِينَ مَا أَحْسَنُوا النَّظَرَ لَأَنْفُسِهِمْ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خَالِقِهِمْ وَصَحَّتْ نِيَاتُهُمْ لِأَيْمَتِهِمْ وَبَرُّوا إِخْوَانَهُمْ فَعَطَفُوا عَلَى ضَعِيفِهِمْ وَتَصَدَّقُوا عَلَى ذَوِي الْفَاقَةِ مِنْهُمْ. إِنَّا لَا نَأْمُرُ بِظُلْمٍ وَلَكِنَّا نَأْمُرُكُمْ بِالْوَرَعِ الْوَرَعِ وَالْمُوَاسَاةِ الْمُوَاسَاةِ لِإِخْوَانِكُمْ فَإِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَمْ يَزَالُوا مُسْتَضْعَفِينَ قَلِيلِينَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶۸، ب ۱۹، ص ۱۵۳-۱۵۴)؛ ای سدید، شیعیان ما

بسیار فراوان‌اند. حضرت فرمود: می‌توانی آنان را بشماری؟ عرض کرد: شمارشان بیش از آن است که بتوان شمرد. امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باش، هرگاه آن شمار وصف شده که ۳۱۰ نفر و اندی‌اند کامل شود، آن‌گاه چنان خواهد شد که شما می‌خواهید.

بنابر روایت بالا، این یار امام صادق علیه السلام با بیان عشق خود به امام، ایشان را به جهاد و قیام علیه دستگاه حکومت ستمگرانه بنی‌عباس تشویق می‌کند و از فراوانی و بی‌شمار بودن شیعیان سخن به میان می‌آورد. امام علیه السلام نیز با توجه به آنچه در روایات آمده که هرگاه شیعیان واقعی امام زمان (عج) به ۳۱۳ تن رسیدند، حضرت ظهور می‌کنند، به آن شخص می‌فرمایند: اگر امروز نیز آن شمار شیعیان واقعی وجود می‌داشتند، من در قیام علیه حکومت فاسد عباسی تردید نمی‌کردم و با آن به مبارزه برمی‌خاستم. کنایه از اینکه ایمان و اعتقاد اغلب کسانی که خود را شیعه ما به شمار می‌آورند، سطحی است و آنان شیعه واقعی ما نیستند. در ادامه، حضرت به تبیین برخی از ویژگی‌های شیعیان واقعی می‌پردازند، می‌فرمایند: «وَلَكِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ لَا يَغْدُو صَوْتَهُ سَمْعَهُ وَلَا شَحْنَاؤُهُ بَدَنَهُ وَلَا يَمْدُحُ بِنَا غَالِيًا وَلَا يَخَاصِمُ لَنَا وَالِيًا وَلَا يَجَالِسُ لَنَا عَائِبًا وَلَا يَحْدُثُ لَنَا تَالِيًا وَلَا يَحِبُّ لَنَا مُبْغِضًا وَلَا يَبْغِضُ لَنَا مُحِبًّا» (همان، ج ۵، ب ۶، ص ۱۵۷، ح ۱۱)؛ ولی شیعه ما کسی است که صدایش از بناگوشش تجاوز نکند و عقده‌های درونی‌اش از پیکرش بیرون نیفتد و در ستایش ما زیاده‌روی نکند و با دوست ما ستیزه‌جویی نکند و با کسی که به عیب‌جویی از ما می‌پردازد، هم‌نشین نشود و با کسی که از ما بدگویی می‌کند هم‌سخن نگردد و دشمن ما را دوست نداشته باشد و دوست ما را دشمن نداشته باشد.

شیعه واقعی کسی است که با متانت و آرام سخن می‌گوید و فریاد نمی‌زند و عقده‌گشایی نمی‌کند. او در

شما می‌خواهیم که پرهیزکار باشید و از گناهان پرهیزید و با برادران خود با مواسات رفتار کنید و آنان را شریک زندگی خویش قرار دهید؛ یعنی همان‌گونه که نگران زندگی خویش‌اید و در پی تأمین نیازهای خود و خانواده خویش برمی‌آیید، نگران زندگی برادران دینی خود نیز باشید و از دارایی، جایگاه اجتماعی و حتی آبروی خود برای کمک به آنها مایه بگذارید. سپس امام در تعلیل سفارش به مواسات و رسیدگی به دیگر شیعیان می‌فرماید: اولیای خدا و شیعیان ما همواره کم‌شمار و ستم‌دیده‌اند. در نتیجه نیازمند کمک و یاری هم‌اند.

در روایت دیگر، امام صادق علیه السلام شیعیان را پارساترین و باتقواترین مردم معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَكُونُ فِي مِضْرٍ يَكُونُ فِيهِ أَلَاقٌ وَيَكُونُ فِي الْمِضْرِ أَوْرَعُ مِنْهُ» (همان، ص ۱۶۴، ح ۱۳)؛ از شیعیان ما به شمار نمی‌آید، کسی که در شهری باشد که در آن هزاران نفر زندگی می‌کنند و در میان آن مردم کسی باشد که از او پرهیزکارتر باشد.

جابر بن عبدالله انصاری به امام باقر علیه السلام می‌گوید: «اگر سلمان و ابوذر در برابر اینانی که خود را به شما منتسب می‌دانند و مدعی تشیع‌اند زنده شوند، آن دو خواهند گفت که اینان دروغ‌گویند؛ و اگر اینان سلمان و ابوذر و امثال آنها را ببینند، خواهند گفت: آنها دیوانه‌اند» (همان، ح ۱۴).

ترسیم شیعیان واقعی و شیعیان ظاهری در کلام

امام صادق علیه السلام

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نزد آن حضرت رفت و عرض کرد: جانم به فدایت، به خدا سوگند که من شما را دوست می‌دارم و دوستان شما را نیز دوست می‌دارم. ای سرور و آقای من، چقدر شیعیان شما فراوان شده‌اند. حضرت به او فرمود: بگو آنان چند تن‌اند؟ عرض کرد:

ستایش پیشوایان معصوم خود زیاده‌روی نمی‌کند و اوصاف الهی را به ایشان نسبت نمی‌دهد. با دوستان اهل بیت علیهم‌السلام با مسالمت و رفاقت رفتار می‌کند و با آنان دشمنی نمی‌ورزد. همچنین با کسانی که از اهل بیت علیهم‌السلام عیب‌جویی و خرده‌گیری می‌کنند، هم‌نشینی نمی‌کند؛ چون هم‌نشینی با گمراهان، ایمان انسان را سست می‌سازد. دشمن اهل بیت علیهم‌السلام را دوست نمی‌دارد و از دوستان آنها بغض و کینه به خود راه نمی‌دهد.

بنابر مضمون برخی روایات، مؤمنان و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام، انسان‌هایی پاک‌نهادند. پس اگر گناهی از آنها سر زد، انسان باید از گناهشان اظهار ناخشنودی و دشمنی کند، نه خودشان. برعکس، اگر کسانی دشمن اهل بیت علیهم‌السلام بودند و کار خوبی از ایشان سر زد، باید کار خوبشان را دوست داشت، نه خودشان را؛ چون نهان و ذاتشان ناصالح و آکنده از شقاوت و گمراهی است. همچنین در برخی روایات آمده است که اگر خداوند کسی را دوست بدارد، هرگز او را دشمن نمی‌دارد و اگر گناهی از او سر زد، گناهش را دشمن می‌دارد. برعکس، اگر خدا با کسی دشمن بود، اگر کار نیکی از او سر زد، کار نیکش را دوست می‌دارد و خودش را دوست نخواهد داشت.

سرنوشت شیعیان غیرواقعی

آن صحابی امام صادق علیه‌السلام، پس از آنکه پاسخ ایشان را می‌شنود و می‌پذیرد که گرچه شمار شیعیان فراوان است، ولی اغلب آنها از وظایف خویش آگاه نیستند و شیعه واقعی به شمار نمی‌آیند، از حضرت می‌پرسد: با این مدعیان تشیع و بی‌بهره از اوصاف شیعه واقعی باید چگونه رفتار کرد: «فَقُلْتُ: فَكَيْفَ أَضَعُ بِهَذِهِ الشَّيْعَةِ الْمُخْتَلِفَةَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِنَّهُمْ يَتَشَبَعُونَ؟ فَقَالَ: فِيهِمُ التَّمْيِيزُ وَفِيهِمُ التَّمْحِیْصُ وَفِيهِمُ التَّبْدِيلُ يَأْتِي عَلَيْهِمْ سِنُونَ تُقْنِيهِمْ وَسَيُوفُّ تَقْتُلُهُمْ وَاخْتِلَافٌ تُبَدِّدُهُمْ، إِنَّمَا شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَهْرُ

هَرِيرَ الْكَلْبِ وَلَا يَطْمَعُ طَمَعَ الْغُرَابِ وَلَا يَسْأَلُ النَّاسَ بِكَفِّهِ وَإِنَّ مَاتَ جُوعاً»؛ عرض کردم: پس چه کنیم با این شیعیان گوناگون که می‌گویند ما بر روش تشیعیم؟ فرمود: اینان خود گرفتار جداسازی و آزمایش خواهند شد و تبدیل و جابه‌جایی میانشان رخ خواهد داد و به قحطی و کمبود ویران‌کننده [دچار شوند] و شمشیرهایی که خونشان را بریزد و اختلافاتی به هم رسد که پراکنده‌شان کند. همانا شیعه ما کسی است که چون سگان پارس نکند و همانند کلاغ حرص نورزد و نزد مردم به گدایی دست نیازد؛ اگرچه از گرسنگی بمیرد.

شیعیان سطحی و ظاهری که ویژگی‌های ارزشمند پیروان واقعی اهل بیت علیهم‌السلام را در خود فراهم نیاورده‌اند و به نفاق و ریا خو گرفته‌اند، در این دنیا با سختی‌ها و گرفتاری‌هایی روبه‌رو خواهند شد. آنان به تفرقه و اختلاف و قحطی و تنگ‌دستی دچار خواهند شد و دشمنان بر آنان چیره می‌شوند و با شمشیرهای خود خونشان را می‌ریزند. این‌سان، آنان در همین دنیا مکافات ناراستی و سستی در وظایف و مسئولیت‌های خویش را می‌چشند و با این گرفتاری‌ها و مجازات‌ها از آلودگی‌ها و گناهانشان تطهیر می‌شوند. در برخی روایات به مراحل پاک شدن شیعیان در دنیا و هنگام مرگ و قیامت پرداخته شده است؛ اینکه شیعه با گرفتاری‌ها، بیماری‌ها و سختی‌هایی که در دنیا برایش رخ می‌دهد، از گناهان پاک می‌شود. اگر کاملاً از آن گناهان پاک نشد، هنگام جان دادن پاک می‌شود. اگر در این مرحله نیز پاک نگردید، در عالم برزخ و پس از تحمل رنج‌های عالم قبر، از آلودگی گناهان پاک می‌شود. اما اگر گناهان او به اندازه‌ای بود که در عالم برزخ نیز همه آنها بخشیده نشد، سرانجام در عالم قیامت از همه گناهان خود پاک می‌شود. در صحنه حشر، شیعه گناهکار عذاب و کیفر گناهان خود را می‌بیند و سرانجام مشمول شفاعت می‌شود و از عذاب الهی نجات می‌یابد.

همچون داستان خری است که کتاب‌هایی را به پشت می‌کشد. [و،] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید. به هر روی، یکی از ویژگی‌های سگ این است که وقتی فرد ناآشنایی به آن نزدیک می‌شود، پارس می‌کند و پیش از آنکه به آن تعرضی شود، به آن فرد حمله می‌کند. از این‌رو، سگ‌های تربیت‌شده را برای نگهبانی می‌گمارند، تا از ورود دزد و افراد بیگانه به محل نگهبانی سگ‌ها جلوگیری کنند. حضرت، افراد بدبین را که به محض روبه‌رو شدن با دیگران، با این پندار که ممکن است آنها نظر بدی به ایشان داشته باشند، پرخاش می‌کنند، به سگ تشبیه می‌فرمایند که پیش از هر حمله‌ای پارس می‌کند. برخی که از تربیت درست برخوردار نیستند، به بدزبانی و ناسزاگویی عادت کرده‌اند و چه بسا نان خود را در فحاشی و بدگویی از دیگران جست‌وجو می‌کنند. دیگران نیز برای اینکه از شر زبان آنها در امان بمانند، خواسته‌شان را تأمین می‌کنند. از دیدگاه امام صادق علیه السلام، شیعه واقعی به دیگران گمان نیکو دارد و بدبین نیست و در برخورد با دیگران مهربان است و با زبانش کسی را نمی‌آزارد. شیعه واقعی به وظایف خود عمل می‌کند و اگر به دین، مملکت و جان او حمله شود، دفاع می‌کند، اما بی‌دلیل به کسی حمله نمی‌کند و برخوردش با متانت و مهربانی همراه است.

ویژگی دیگری که حضرت، شیعیان خود را از آن به دور می‌داند، آزمندی است. امام علیه السلام می‌فرمایند: شیعیان ما چون کلاغ طمع و حرص ندارند. معروف است که کلاغ حیوانی حریص و طمع‌کار است. حیوانات معمولاً وقتی گرسنه می‌شوند، در حد نیاز غذا می‌خورند و برای خود غذا ذخیره نمی‌کنند. اما کلاغ پس از آنکه سیر شد، به ذخیره غذا برای آینده خود اقدام می‌کند. آن حیوان چون به گردو بسیار علاقه دارد، پس از آنکه خود را با مغز گردو سیر کرد،

متانت، خوش‌رفتاری و ناآزمندی شیعیان واقعی

حضرت در ادامه، سه ویژگی شیعیان واقعی خود را برمی‌شمارد. ویژگی نخست آنکه بدخو و پرخاشگر نیستند و چون سگان به دیگران حمله نمی‌کنند و با پرخاشگری، دیگران را نمی‌آزارند. در ادبیات عرب، وقتی صفت زشتی توصیف می‌شود، برای ایجاد انزجار از آن در مردم، آن ویژگی به حیوانی نسبت داده می‌شود و شخص برخوردار از آن، به حیوان یادشده تشبیه می‌گردد. از جمله صفت نکوهیده بدخویی و پرخاشگری به پارس سگان تشبیه شده است. قرآن نیز دربارهٔ ویژگی دنیاپرستی، هواپرستی و آزمندی بلعم باعورا و تشبیه او به سگ می‌فرماید: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ يَتَرُّهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۶۷)؛ و اگر می‌خواستیم، قدر او را به وسیلهٔ آن [آیات] بالا می‌بردیم، ولیکن او به زمین [دنیا و مال و جاه آن] چسبید و کام و خواهش دل خود را پیروی کرد. پس داستان او چون داستان سگ است؛ اگر به او بتازی، زبان از دهان بیرون آرد، یا اگر واگذاری‌اش باز زبان از دهان آویخته دارد. این است داستان گروهی که آیات ما را دروغ انگاشتند؛ پس این داستان را [بر آنان] بازگو، شاید بیندیشند.

همچنین قرآن، کسانی را که تورات در اختیارشان قرار گرفت و بدان آگاه‌اند، اما بنابر آن عمل نمی‌کنند، به خری تشبیه کرده که بهره‌ای از کتاب‌هایی که بر پشتش حمل می‌شود نمی‌برد: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه: ۵)؛ داستان کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آن‌گاه آن را به کار نبستند،

گردوها را زیر خاک پنهان می‌کند تا زمانی مناسب سراغشان برود. اما هنگامی که به جست‌وجو می‌پردازد، بدان‌ها دست نمی‌یابد. بسیاری از درختان گردو از گردوهایی که کلاغ‌ها زیر خاک پنهان کرده‌اند سر درآورده‌اند. شیعیان واقعی در حد نیاز فوری و روزمره خود از امکانات دنیوی استفاده می‌کنند و بیش از آنکه به فکر دنیا و فراهم ساختن ثروت برای آیندگان خویش باشند، در اندیشه خدمت به خلق و انجام وظایف الهی و کوشش برای تقرب به خداوندند. آنان دل‌بسته دنیا نیستند تا برای تأمین ثروتی که ده‌ها سال زندگی آنها را تأمین کند بکوشند؛ چه رسد به آنکه برای چند نسل پس از خود ثروت فراهم آورند.

ویژگی سومی که حضرت بدان اشاره می‌کنند، عزت نفس شیعیان واقعی است. آنان در نهایت تنگ‌دستی نمی‌گذارند دیگران از وضعیت آنها آگاه شوند. حتی اگر از گرسنگی بمیرند، در برابر دیگران، به‌ویژه مقابل دشمنان دست دراز نمی‌کنند. این توصیف امام از شیعیان تفسیر سخن خداوند در قرآن است؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا﴾ (بقره: ۲۷۳)؛ [صدقه‌ها] برای نیازمندی است که در راه خدا بازداشته شده‌اند و نتوانند [برای جستن روزی] در زمین سفر کنند، [ولی] نادان، ایشان را به سبب خویشتن‌داری توانگر پندارد. آنان را به نشان چهره‌شان می‌شناسی؛ از مردم به‌اصرار چیزی نخواهند. شیعیان آبرودارند و آشکارا و حتی با اشاره و کنایه از کسی چیزی نمی‌خواهند و نزد دیگران اظهار نیاز نمی‌کنند. حتی با سیلی صورت خود را سرخ‌نگه می‌دارند تا دیگران ببینند که آنان در رفاه‌اند و از معاش و زندگی مناسب برخوردارند.

«قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فَأَيْنَ أَطْلُبُ هَوْلَاءِ الْمُؤْصِفِينَ بِهَذِهِ الصِّفَةِ؟ فَقَالَ: أَطْلُبُهُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ. أَوْلَيْكَ

الْحَسَنُ عَيْشُهُمُ الْمُتَّقِلَةُ دَارُهُمْ. الَّذِينَ إِذَا شَهِدُوا لَمْ يَعْرِفُوا وَإِنْ غَابُوا لَمْ يَفْتَقِدُوا وَإِنْ مَرَضُوا لَمْ يَعَادُوا وَإِنْ خَطَبُوا لَمْ يَزُوجُوا وَإِنْ مَاتُوا لَمْ يَشْهَدُوا. أَوْلَيْكَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسَوْنَ وَفِي قُبُورِهِمْ يَتَزَاوَرُونَ وَلَا يَخْتَلِفُ أَهْوَاؤُهُمْ وَإِنْ اخْتَلَفَتْ بِهِمُ الْبُلْدَانُ» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶۸، ب ۱۹، ص ۱۶۴-۱۶۵، ح ۱۶)؛ عرض کردم: فدایت شوم، چنین افرادی را که بدین ویژگی‌ها آراسته‌اند در کجا جست‌وجو کنم؟ فرمود: آنان را در گوشه‌وکنار زمین بجوی. آنان کسانی‌اند که زندگی‌ای سخت و ساده دارند و خانه‌به‌دوش‌اند. اگر حاضر باشند، شناخته نمی‌شوند و اگر از نظر پنهان شوند، کسی متوجه [غیبت] آنها نمی‌گردد و در جست‌وجویشان بر نمی‌آید. اگر بیمار شوند عیادت نمی‌شوند و اگر خواستگاری کنند، با آنان ازدواج نشود. اگر بمیرند کسی بر جنازه آنان حضور نیابد. آنان کسانی‌اند که در اموالشان با یکدیگر مواسات می‌کنند و به زیارت قبور درگذشتگان از دوستان، آشنایان و خویشان خود می‌روند. خواسته‌های آنان با یکدیگر اختلاف ندارد؛ هرچند از شهرهای گوناگون باشند.

زندگی دشوار شیعیان صدر اسلام

گویا کسی که در محضر امام صادق علیه السلام از پرشمار بودن شیعیان سخن گفت و به وجود آن‌ها شیعیه افتخار کرد، پس از شنیدن اوصاف شیعیان واقعی، نمونه‌ای برای آنان نیافت. پس از حضرت خواست که بفرماید آن شیعیان واقعی کجایند. حضرت فرمودند: آن شیعیان در گوشه‌وکنار زمین پراکنده‌اند؛ یعنی ستمی که در حق شیعیان روا داشته شده، موجب گردیده که درون شهرها، به‌ویژه شهرهای معروف مسکن نگزینند؛ چون در آنجا پیوسته مخالفان و دشمنان به ایشان ستم می‌کردند. پس برای در امان ماندن از خطر دشمنان به مناطق دوردست و گوشه‌وکنار سرزمین‌های اسلامی پناه برده‌اند. آنان زندگی سخت و

نمی‌رود و اگر خواستگاری کنند، به آنها پاسخ رد می‌دهند و کسی حاضر نمی‌شود با آنها خویشاوندی برقرار کند. هرگاه بمیرند، دیگران به تشییع جنازه آنها نمی‌روند و در گمنامی و غربت به خاک سپرده می‌شوند. باین حال، آنان با آن‌همه رنج، با برادران دینی خود به مواسات برخورد می‌کنند و دیگران را شریک زندگی و دارایی خود می‌دانند. اگر کسی به آنها نیازی داشته باشد، نیاز او را برطرف می‌کند و آن‌قدر به برادران خود وفادارند و حقوقشان را محترم می‌شمارند که پس از مرگشان نیز آنها را فراموش نمی‌کنند و پیوسته به زیارت قبورشان می‌روند.

شیعیان حتی اگر از سرزمین‌ها و نژادهای گوناگون باشند، وقتی یک‌جا گرد می‌آیند، کاملاً با یکدیگر تفاهم دارند و خواسته‌هایشان از صمیم دل همسوست. در ایده‌ها و مقاصد ایشان اختلافی دیده نمی‌شود؛ چون هدفشان جلب رضایت الهی است. پس می‌کوشند با رفاقت و همراهی هم، به آن هدف دست یابند و هیچ‌گاه یکدیگر را فریب نمی‌دهند. درمقابل، منافقان که مقصدشان اهداف و منافع دنیوی است، حتی اگر در ظاهر با یکدیگر دوست باشند، در باطن در اندیشه آسیب زدن به هم‌اند؛ چون دیگران را مزاحم منافع خود می‌دانند. آنان برای رسیدن به اهداف پوچ و باطل خود، حتی از رفاقت با دیگران سوءاستفاده می‌کنند و پیوسته در این اندیشه‌اند که آنان را فریب دهند. ایشان از انجام هر کاری که موجب گردد منافع بیشتری به دست آورند، خودداری نمی‌کنند.

منبع

* این مقاله قلمی شده درس اخلاق علّامه مصباح برای طلاب علوم دینی در دفتر مقام معظم رهبری در قم می‌باشد.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶ق، بحارالانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه.

ساده‌ای دارند و در حد نیاز و ضرورت، امکانات زندگی را فراهم آورده‌اند. از زندگی راحت و مرفه و غذاهای لذیذ و لباس‌های نرم و فاخر و خانه‌های زیبا و باشکوه برخوردار نیستند. آنان خانه‌به‌دوش‌اند و به دو دلیل نقطه‌ای ویژه از زمین را برای زندگی بر نمی‌گزینند: نخست آنکه دشمنان و مخالفان همواره در پی آنان‌اند تا نابودشان کنند و ایشان مجبورند برای در امان ماندن از شر دشمنان همواره آواره شهرها باشند؛ دوم آنکه مایل نیستند و دوست ندارند محلی خاص برای زندگی خود و نسل‌های پس از خویش برگزینند و برای خود خانه‌هایی بسازند تا برای همیشه در آنها بمانند. آنان به خانه و محل زندگی خود دل‌بستگی ندارند و برایشان تفاوتی ندارد که امروز در خانه‌ای و شهری، و فردا در خانه‌ای و شهری دیگر به سر برند.

در صدر اسلام و زمان اهل‌بیت علیهم‌السلام، شیعیان در محل زندگی خود بسیار کم‌شمار بودند و مخالفان، پیوسته آنان را آزار می‌دادند و تحقیرشان می‌کردند. ازاین‌رو، یکی از گله‌های شیعیان نزد اهل‌بیت علیهم‌السلام این بود که مردم دیار و شهر ما به ما اعتنایی نمی‌کنند. ما منزوی هستیم و دیگران با «جعفری» (همان، ج ۶۸، ب ۱۹، ص ۱۶۶، ح ۱۸) و «رافضی» خواندن ما، تحقیرمان می‌کنند. اما اهل‌بیت علیهم‌السلام برای اینکه شیعیان را امیدوار سازند و نگرانی و رنج تحقیر مخالفان و گمنامی را از ایشان بزداينند، گوشزد می‌کردند که شما باید مقصد و هدفی جز به دست آوردن رضای خداوند نداشته باشید و برایتان مهم نباشد که دیگران به شما احترام بگذارند. در این روایت نیز امام صادق علیه‌السلام گمنامی شیعیان را در دوران خویش، یکی از صفات ارزنده پیروان خویش برمی‌شمارند و می‌فرمایند: شیعیان واقعی ما اگر در جایی زندگی کنند، کسی ایشان را نمی‌شناسد و به آنها اعتنا نمی‌کند. حتی اگر به مسافرت بروند، کسی سراغشان را نمی‌گیرد. مظلومیت و بی‌کسی آنها تا آنجاست که اگر بیمار شوند، کسی به عیادتشان